

شناخت بیشتر ابن یمین در پرتو منابع خارجی

ابوالقاسم رادفر

دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی

چکیده:

مقاله حاضر به شیوه سند کاوی و به منظور معرفی مهمترین منابع و مآخذ فارسی و غیرفارسی درباره ابن یمین فریومدی، قطعه سرای بزرگ سده هفتم و هشتم ه. نوشته شده و قصد دارد تازمینۀ شناخت بهتر آثار و اندیشه‌های وی رافراهم سازد. نگارنده از میان منابع خارجی با توجه به میزان اهمیتی که در مطالعات مربوط به ابن یمین دارند، به اختصار آثار سه تن را بررسی کرده است. این آثار عبارتند از:

۱- مقاله "ابن یمین فریومدی و ابن یمین شبرغانی" که بر مبنای آن نشان داده شده که اشعار این دو شاعر باهم آمیخته شده و لازم است که تصحیح منقحی از این دودویان فراهم شود.

۲- کتاب "ابن یمین" اثر رادول، که در آن نویسنده به مقایسه ابن یمین و عمر خیام پرداخته و مقام والای ابن یمین را در سرودن شعر اخلاقی نشان داده و ارتباط وی با دربار و سریداران را بیان کرده است.

۳- سومین اثر "محاكمه قطعات ابن یمین و سعدي مع سوانح ابن یمین"، اثر علی شبیر است که در آن به مقایسه قطعات اخلاقی ابن یمین و سعدي پرداخته شده و مقام سعدي در شعر اخلاقی از ابن یمین برتر شمرده شده است.

ابن یمن یکی از بزرگترین قطعه سرایان ایرانی، نه تنها در ایران و سرزمینهای آشنا با زبان و ادبیات فارسی، بلکه در خارج از این مرز و بوم، مشهور و شناخته شده است. اگر چه او در زمره شاعران طراز اول زبان فارسی محسوب نمی‌شود، ولیکن در زمینه اشعار اخلاقی و پند و نصیحت و حکمت از جمله شاعرانی است که درباره زندگی و آثار و افکار، بویژه مفاهیم اجتماعی و اخلاقی قطعات او، سخنها رفته و کتابها و مقالات نوشته شده است. ما را در اینجا بحث پیرامون تمام آثاری نیست که درباره او موجود است. شاید عده‌ای بر این اعتقاد باشند که چون ابن یمن از شاعران درجه اول نیست، پژوهشگران و خاورشناسان کمتر در احوال و آثار او به تفحص پرداخته و جز در چند تذکره و تاریخ ادبیات و معدودی کتاب و مقاله آثاری درباره او نباشد. البته این مطلب درست است که کتابشناسی ابن یمن نسبت به شاعران درجه اول و دوم بسیار کم حجم و مختصر است، ولیکن همین مقدار منابع داخلی و خارجی که پیرامون شخصیت این شاعر قطعه پرداز یابه تعبیر استاد زرین کوب «دهقان شاعر» وجود دارد، حاکی از ارزش و اهمیت است که کلام او دارد. نظر به محدودیت حجم مقاله فعلاً از ذکر آثار و مآخذ فارسی نوشته شده در ایران درمی‌گذرم و صرفاً به آوردن برخی منابع موجود در خارج از ایران اکتفا کرده و در بخش آخر مقاله به بررسی اجمالی سه اثر مهم که درباره ابن یمن توسط خارجیان نوشته شده، می‌پردازم. اگر از تذکره‌ها و تاریخ ادبیاتهای نوشته شده فراوان در شبه قاره هند و پاکستان که بعضاً نویسندگان آنها هم ایرانی می‌باشند، چون خلاصه الاشعار، لطایف الخیال، ریاض العارفین، آفتاب لکنهوی مخزن، الغرایب سندیلوی، منتخب الاشعار، ریاض الشعراء والذی داغستانی، عرفات العاشقین تقی الدین اوحدی، بهارستان سخن، شمع انجمن، صحف ابراهیم، شعرالعجم شبلی نعمانی و همچنین دایرة المعارف اردو (ج ۱، ص ۷۳۳) و... که مطالبی درباره ابن یمن دارند، بگذریم به نسخه‌های خطی و چاپی دیوان اشعار این شاعر در فهراس و کتابشناسی‌های مختلف برمی‌خوریم که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- قطعات ابن یمن، چاپ هند، بهوپال، ۱۸۹۰ م.
- ۲- دیوان ابن یمن، چاپ هند، علیگره - مکتوب در ۷۵۳هـ / ۱۳۵۲ م. (یعنی زمان حیات مؤلف).

۳- دیوان چاپ کلکته، ۱۸۶۵ در ۲۱۶ ص.

همچنین اسپرنگر ۱ در فهرست کتابخانه شاهان آود (ص ۴۳۴-۴۳۳) و هیرمان اته ۲ در فهرست کتابخانه اندیا آفیس ذیل شماره‌های ۱۲۳۰ و ۱۲۳۱ و چارلز ریو ۳ در فهرست خود و ضمیمه آن هم ذکر آثار ابن یمین کرده‌اند. همچنین در کتابهای ادبیات فارسی به زبانهای دیگر که تعداد نسبتاً معتناهی می‌باشند (ترجمه شده یا نشده)، یادی از احوال و آثار و بررسی اشعار ابن یمین آمده، چون تاریخ ادبی ادوارد براون، جلد سوم انگلیسی (ص ۲۱۲-۲۱۱)، اته (ترجمه شفق، ص ۱۸۶) رپیکا (ترجمه شهابی، ص ۱۶۰ و ۴۱۱-۴۱۲) و چاپ لایزیک به زبان آلمانی، ۱۹۵۹، ص ۲۵۳)، نور و ظلمت در تاریخ ادبیات ایران اثر میخائیل ای زند (ص ۱۷۷)، تاریخ ادبیات فارسی پیزی ۴ به زبان ایتالیایی (چاپ تورین، ۱۸۹۴ م ص ۱۰۸ - ۱۰۷) و تاریخ ادبیات فارسی اثر کرایمسکی به زبان روسی (چاپ مسکو، ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۷، ص ۹۶) و ادبیات کلاسیک فارسی آربری به زبان انگلیسی (چاپ لندن، ۱۹۵۸، ص ۳۱۶ - ۳۰۸) و دیگران به احوال و آثار و اشعار ابن یمین پرداخته‌اند. همچنین، کمال عینی در نشریه «شفق سرخ» به سال ۱۹۶۴ شماره ۵، صفحه ۳۳ درباره ابن یمین مطالبی آورده و نیز در کتابخانه سالتیکوف شچدرین لنینگراد نسخه‌ای بسیار خوب از دیوان خطی ابن یمین وجود دارد. اچ. جی کین ۵ قطعاتی از اشعار ابن یمین (شش قطعه) را به سال ۱۸۱۶ م. به زبان آلمانی چاپ کرده و جی. فن. هامر پورگشتال ۶ ترجمه ۳۰ قطعه ابن یمین را به سال ۱۸۱۸ م. در وین به چاپ رسانده است.

ملاجاناوی شهرستانی مقاله‌ای تحت عنوان «شاعر عصر چهاردهم ابن یمین» در شماره ۸ نشریه «شفق سرخ» به سال ۱۹۶۰ (ص ۱۳۹-۱۲۷) چاپ کرده، همچنین س. ایمرنوف ۷ مقاله‌ای تحت عنوان «ابن یمین شبرغانی» در تاشکند به سال ۱۹۶۴ منتشر کرده که ترجمه تاجیکی آن در «صدای شرق» شماره ۱۲ به سال ۱۹۶۴ (ص ۱۴۸-۱۴۲) آمده، علاوه بر آن، وی مقاله دیگری تحت عنوان «ابن یمین ترجمان» در «صدای شرق» به سال ۱۹۶۵ شماره ۷ (ص ۱۱۱-۱۰۸) چاپ کرده است. ۸.

آنچه جای دارد در اینجا درباره ابن یمین به آن اشاره شود، مسئله صحت انتساب

کلیات و دیوانی است که به نام اوشهرت یافته، ولی هنوز به جهت ازدست رفتن دیوان اشعار اولیه او، این مسأله به صورت مقبول و رضایت بخشی حل نشده است. دیگر اینکه چاپ مرحوم سعید نفیسی مشتمل بر ۵۰۰۰ بیت است، در صورتی که نسخه شماره ۴۰۳ (دورن) کتابخانه سالتیکوف شچدرین ۹ (لنینگراد) که قابل اعتماد است، به گفته ملا جانانوی شهرستانی ۱۶۱۲۰ بیت دارد (وبه گفته ایمرتوف ۱۳۳۸۷۱۰ بیت)، این نسخه از قرن نهم / پانزدهم است و از روی متن ابن یمن استنساخ شده است. با اشاره علامه علی اکبر دهخدا و دلایل کاملاً قانع کننده ایمرتوف، اشعار ابن یمن با اشعار شاعر دیگر، یعنی اشعار شیخ الشیوخ ابن یمن شبرغانی (متوفی ۱۰۰۵ / ۷ - ۱۵۹۶)، صوفی نامدار زمان خویش که دیوان او سراپا رنگ صوفیانه دارد آمیخته شده است ۱۱. دیگر از آثار تحقیقی و ترجمه‌های اشعار ابن یمن توسط خارجیان، می‌توان از تحقیقات پرفسور برتلس نام برد که بر اساس کتاب احوال ابن یمن تألیف مرحوم رشید یاسمی (چاپ تهران، ۱۳۰۳ / ۱۹۲۴ م.) مقاله‌ای تحت عنوان «پروفیسور برتلس و ابن یمن» در سال ۱۹۲۷ در لنینگراد چاپ کرده که ترجمه فارسی آن توسط حمزه سردادور در مجله آینده (ص ۲، ش ۱۴، ص ۱۷۷-۱۷۵) آمده است. با مقاله‌ای که توسط برتلس درباره «نسخه کلیات ابن یمن در کتابخانه عمومی دولتی لنین گراد» نوشته شده (رک: آینده، س ۲، ش ۱۴، ص ۱۸۱-۱۷۷) یا «مراسلات ابن یمن» از برتلس در (آینده، س ۲، ش ۱۵، ص ۲۴۰ - ۲۳۸) درج است. همچنین مقاله یان ریپکا در دایرةالمعارف اسلام (به نقل از تاریخ ادبی فارسی، ادوارد براون، ج ۲، ترجمه علی پاشا صالح، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸، ص ۱۸۱) یا ترجمه ۱۵۹ قطعه ابن یمن به زبان آلمانی به قلم ا.ف. فن اشلشتاوسر در ۱۲ (چاپ وین، ۱۸۵۲) و چاپ اشتوتگارت (۱۸۷۹) رامی توان نام برد.

همینطور بین سالهای ۱۸۴۷ تا ۱۸۶۷ شاعر بزرگ امریکایی، رالف والدو امرسن ۱۳ که آشنایی زیادی با شرق، بویژه تصوف و عرفان شرقی داشت، منتخباتی از اشعار ابن یمن را به انگلیسی ترجمه کرد ۱۴.

همچنین شرح احوال و آثار ابن یمن تحت عنوان «شمه‌ای از یک سخنور ایرانی» توسط علیرضا حکمت تحت نظارت ا.س. براگینسکی ۱۵ به زبان روسی

در نشریه فرهنگستان علوم اتحاد شوروی در ۱۹۶۵ چاپ شد ۱۶. این قطعه‌ها را علیرضا حکمت به دسته‌های وصف حال و نقد اجتماعی و تعلیمی و فلسفی و غیره تقسیم کرده است ۱۷. و مطالب و آثار دیگر که به عنوان مقدمه به همین مقدار بسنده می‌شود و پیش از ورود به بحث اصلی جهت ترسیم ویژگی‌های شعر ابن یمین، لازم می‌دانم اشاره‌ای کوتاه به محتوای شعر او داشته باشم. «قصاید ابن یمین مسلماً از نوع عالی نیست و اعتبار آنها به علت تکرار و صله جویی و انتحال صدمه دیده است. این قصاید را ابن یمین در مدح ۶۵ فرمانروای کم اهمیت سروده و با سرودن فراخ دستی ایشان، کمابیش صریحاً خواستار صله شده است. ولی در ساختن قطعه استادی بی مانند است و پس از ۱۳۵۶/۷۵۶ م. منحصرأ اینگونه اشعار رami سرود.

همدردی او نسبت به مردم روستا که خود از شادیه‌ها ورنجه‌های ایشان آگاه بود، جالب توجه خاص است. قلم او در تحت رهبری عقل بود. ولی گاه نیز تضادهایی در اشعار او دیده می‌شود (مثلاً اعتقاد او به جبر در کنار شور و شوقی که برای اختیار و عمل نشان داده است). با چاپلوسی و نادرستی و خود کامگی و تسلط اجنبی شدیداً مخالف بود. ابن یمین در عصری پر آشوب می‌زیست و انعکاس این عصر در کلیات وی دیده می‌شود و به همین جهت این کتاب منبع تاریخی سودمندی به شمار می‌رود ۱۸.

همانطور که اشاره شد در راستای معرفی منابع خارجی درباره ابن یمین، به تحلیل اجمالی سه مأخذ که توسط خارجیان نوشته شده است، می‌پردازم. زیرا فکر می‌کنم بررسی ولو مختصر آنها در شناخت هرچه بیشتر ابن یمین، قطعه سرای بزرگ سده هفتم و هشتم (متوفی در ۷۶۹ در سن ۸۴ سالگی)، نمی‌تواند خالی از فایده باشد. اولین مأخذ مورد بررسی، مقاله تحقیقی پروفیسور سید امیر حسن عابدی استاد ممتاز دانشگاه دهلی است که تحت عنوان «ابن یمین فریومدی و ابن یمین شبرغانی» به زبان فارسی در مجله تحقیقات فارسی «بیاض» ۱۹ چاپ شده است.

دکتر عابدی در مقاله خود به استناد فهرست مشترک نسخه‌های خطی

«شیخ الشیوخ آگه بن یمین شبرغانی متخلص به ابن یمین (م ۱۰۰۵ هـ/۷ - ۱۵۹۶ م). از مردم شبرغان از توابع بلخ، مرید مولانا خرد کاشانی و سپس جانشین ایشان» (ص ۷۳۸) نسخه هایی از دیوان او در فهرستها به نام ابن یمین فریومدی... آمده است و تفکیک دیوانهای این دونیاز به بررسی دارد... بویژه برخی از سروده های این دو، در یک جا گرد آمده اند. و در نسخه های گنج بخش که عمدتاً از شبرغانی است، سروده هایی از فریومدی نیز دیده می شود... بسیاری از نسخه های این شبرغانی در فهرستها به نام آن فریومدی آمده است ۲۱.

تذکره نویسان و فهرست نگاران و دانشمندان هم، آثار شبرغانی را به فریومدی نسبت داده اند. یک نسخه خطی دیوان ابن یمین در کتابخانه دانشگاه بمبئی به شماره ۲۳ نگهداری می شود که درباره آن فهرست نویس (شیخ عبدالقادر سرفراز) نوشته: «یک نسخه خطی بسیار نادر و غیر چاپی غزلیات ابن یمین ۲۲». و غالباً فهرست نویس هم از ابن یمین به همان ابن یمین فریومدی اشاره می کند، در صورتیکه نسخه نامبرده اثر شبرغانی می باشد.

نظر دکتر عابدی بر اینست که بسیاری از آثار و ابیات شبرغانی در نسخه چاپی دیوان اشعار ابن یمین فریومدی، به تصحیح و اهتمام حسینعلی باستانی راد (تهران، کتابخانه سنایی، ۱۳۴۴) اشتباهاً به نام فریومدی آمده است. همچنین وی ضمن بررسی نسخه خطی دیوان ابن یمین موجود در دانشگاه بمبئی و ذکر مطلعهای ۴۰۲ غزل موجود در آن، یاد آور می شود که هیچ یک از این غزلیات در دیوان چاپی ابن یمین فریومدی تصحیح باستانی راد نیست. پس حتماً این از آثار شبرغانی می باشد. وجود غزلیاتی از نسخه بمبئی در نسخه های خطی دیوان شبرغانی که استاد عابدی به آوردن و ذکر نمونه هایی از آن در مقاله خود پرداخته، این نظر را تأیید می کند که دیوان موجود در کتابخانه بمبئی از ابن یمین شبرغانی است. علاوه بر غزلیات، این نسخه شامل شانزده رباعی و سه مثنویست که از میان آنها رباعی و دو مثنوی که دکتر عابدی آن دو مثنوی را در مقاله خود نقل کرده، اشتباهاً در نسخه چاپی فریومدی آمده است.

پس بر پژوهشگران و محققان لازم است که با گردآوری نسخ خطی و چاپی دیوان دوشاعر، تصحیحی منقح ازین دو دیوان در هم آمیخته فراهم آورند

تاپژوهشگران بهتر بتوانند درباره شعر ابن یمین به قضاوت بنشینند .
 اثر دوم همانطور که اشاره شد، کتاب ابن یمین اثر «رادول ۲۳» است که در سال ۱۹۳۳ در لندن چاپ شده و شامل یک پیشگفتار و انتخاب صد قطعه از ابن یمین به همراه ترجمه انگلیسی آنهاست. «رادول» پیشگفتار کتاب خود را چنین شروع می‌کند که «اگر ابن یمین در ردیف اول از شاعران قصیده سرا و غزلسرانیست، ولی حقیقتاً در میان شاعرانی که به مضامین اخلاقی پرداخته‌اند، مقام بلندی دارد.» سپس یادآور می‌شود که اگر چه برای یک فرد انگلیسی مشکل است به داوری درباره شاعران ایرانی بپردازد، ولی با مقایسه بین ابن یمین و عمر خیّام بر اساس ترجمه فیتزجرالد این کار را انجام می‌دهد. البته مقدمه اثر خود را با استناد به مأخذ موجود فارسی و دیگر زبانها چون کتاب مرحوم رشید یاسمی درباره احوال ابن یمین و «شلستاوسرد ۲۴» که قبلاً ذکر آن رفت و ادوارد براون بر بارتر می‌کند. مطلب دیگری که نویسنده در پیشگفتار خود بدان پرداخته، پیوستگی و ارتباط ابن یمین با دربار و سرداران است که بیشتر مبتنی بر کتاب رشید یاسمی است. در پایان مقاله هم از چگونگی انتخاب قطعات و منابع و مأخذی که در اختیار داشته، سخن گفته و سپس مشخصات نسخه‌های خطی و چاپی مورد استفاده خود را که بیشتر در هند و اروپا موجود است، ذکر کرده است. قطعات بر اساس دیوان چاپ بهوپال (۱۸۹۰) به ترتیب الفبایی بر اساس ردیف انتخاب شده که علاوه بر ترجمه انگلیسی آنها در مقابل، در زیر نویس، توضیحات لازم داده شده است که به عنوان نمونه اولین، و آخرین قطعه انتخابی رادراینجا می‌آورم :

اولین قطعه

عزلت وانزوا و تنهایی	بـر هانـدت از هزار یـلا
رسته از دام هر زیونگیری	از چـنین حالها شود عنقا
گوشه گیر و جریده‌ای که دراو	جمع باشد لطایف شعرا
هر که دارد بسان ابن یمین	نیست تنها که هست باتنها

نان جوین و خرفه پشمین و آب سرد سی پاره قرآن وحدیث پیمبری
 بایک دو همنفس که نیرزد به نیم جو در پیش چشم همت شان ملک سنجری
 این آن سعادت است که بروی حسد برد دارای تسخت قیصر و مسلک سکندری

از ۴۸ صفحه کتاب به جز پیشگفتار که هشت صفحه است، سه صفحه آخر شامل پیوست و فهرست است. همچنین «رادول» در نوشتن این کتاب به آثار زیر نیز استناد جسته است.

- ۱- حافظ، چاپ مطبع حیدری، بمبئی، ۱۸۸۳.
- ۲- ترجمه قرآن، اثر جان میدوزرادول، ۲۵ چاپ ۱۸۶۱.
- ۳- عمر خیّام، ویرایش خودش، ۱۹۳۱.

سومین اثر محاکمه قطعات ابن یمن و سعدی مع سوانح ابن یمن از علی شبیر، سر رشته دار انتظامی دادگاه عالی حیدرآباد دکن، مترجم سفرنامه بورکهاث و مؤلف تاریخ حجاز سود و تاریخ غلاف کعبه و غیره به زبان اردوست که در رمضان ۱۳۲۴ هـ/ مارس ۱۹۲۶ م. در مطبع تاج چفته بازار حیدرآباد دکن در ۸۴ صفحه چاپ شده است که «عموماً اهل ذوق بر این متفق اند که کلام سعدی، خواه نظم یا نثر باشد، در سبک خود بی مانند است. در تصدیق این امر بعضی از دوستان بررسیها و انتقادهای محققانه نوشته اند. بویژه شمس العلماء مولوی الطاف حسین حالی که درباره اشعار سعدی کتاب فاضلانه‌ای نوشته (این کتاب نامش حیات سعدی است) و ثابت کرده است که از جهت پند و نصیحت جوابی برای دو کتاب گلستان و بوستان سعدی نیست. بر این قیاس مرتبه سعدی در غزل اظهر من الشمس است. ازین رو عموماً دیوان سعدی به نمکدان شعرا مشهور است. حافظ رحمة الله علیه او را استاد مسلم غزل گفته است و ملا جامی او را یکی از سه تن پیمبران شعر خوانده است:

در شعر سه تن پیمبرانند هر چند که لا نبی بعدی
 ابیات و قصیده و غزل را فردوسی و انوری و سعدی

در قضاید، سعدی را موجد یک طرز نو گفته اند، ولیکن درباره قطعات سعدی احتمالاً تا کنون کسی چنین توجه‌ای نکرده، شاید به دلیل اینکه دیگر استادان سخن را در این باره فضیلت است یا اینکه تعداد قطعات سعدی کم است.

درحالیکه اینطور نیست و حدوداً سعدی دارای پانصد قطعه است که گنجینه باارزشی است که اگر تمام قطعات او از گلستان و کلیات یک جا جمع کرده شود، یک کتاب اختصاصی خوبی می‌شود. عموماً همانطور که اهل ذوق درقصاید، انوری و درغزلیات، سعدی و درمثنوی، فردوسی و دررباعیات، خیام را استاد می‌دانند، اینگونه درقطعات ابن یمین رایکتا می‌پندارند.

نظر من اینست که قطعات سعدی را آن اندازه اعتبار است که غزلیات او را است آن دویزرگ یعنی سعدی و ابن یمین که درپند و نصیحت و اخلاق و فلسفه و حکمت و غیره قطعه سروده‌اند، به جهت شباهتهای بسیاری که بین قطعات آن دو وجود دارد، از نظر مضمون و مطلب و معنی، داوری بین آن دو، لزوم این تحقیق را فراهم آورده است. مؤلف در مقدمه انگیزه تألیف خود را چنین می‌نویسد که درسال ۱۹۰۱ میلادی چند تن از دوستان علاقمند به زبان فارسی و علم دوست درحیدر آباد دکن انجمنی موسوم به «انجمن یادگار سعدی» برپا کردند که هدف از ایجاد آن اشاعه و گسترش شعرسعدی و تتبع ظاهری و معنوی کلام او بوده. مدیر و روح روان این انجمن مولوی عبدالحق، رئیس کالج اورنگ آباد، بود. من (مؤلف کتاب) که این مقایسه را انجام داده بودم، در «انجمن یادگار سعدی» در جلسه‌ای به ریاست نقاد سخن، مولوی حکیم سید امتیازالدین، این را ثابت کردم که قطعات سعدی نسبت به ابن یمین از نظر استحکام، پختگی اندیشه، فصاحت و بلاغت به مراتب بهتر است. حاصل این جلسه کتاب مذکور است. ولی از آنجا که عموم مردم از حالات زندگانی ابن یمین به اندازه سعدی آگاهی نداشتند، برآن شدم که به قدر نیاز درباره زندگینامه، آثار و افکار ابن یمین براساس مآخذ موجود اطلاعاتی به دست دهم تا شناخت بیشتری درباره او حاصل آید. سپس درپایان مقدمه (ص ۵۴) مآخذ هفده گانه خود را نقل کرده و همانطور که خود نوشته، مآخذ اصلی او کتاب مرحوم رشید یاسمی بوده است که اکثر مطالب خود را در بخش سوانح ابن یمین از آن گرفته است. البته مآخذ رشید یاسمی هم، کلیات ابن یمین مرتبه و مدونه میرزا علی اکبر دهخدا، مدیر مدرسه سیاسی و ویراستار روزنامه صوراسرافیل بوده است.

بحث پیرامون سوانح ابن یمین که در صفحات ۶ تا ۵۸ آمده است، شامل

عناوین: نام و نسب، ولادت و موطن، شغل و تلاش معاش، طفلی و جوانی، ارتباط ابن یمن با سلاطین و امرا و سریداران، عیال و اطفال، اخلاق و عادات، مذهب و طریق، آثار نظم و نثر (اثر منشور ابن یمن را ۶ صفحه که شامل ۱۲۰ سطر است، نوشته‌اند که همانا دیباجه کلیات اوست و جز آن اثر دیگری در دست نیست)، وضعیت آخر عمر و وفات، گم شدن دیوان و ترتیب دوباره آن، قصاید، غزلیات، قطعات، ذکر نمونه قطعات، مرثیه، ترجیع بند، مستزاد، مثنویات، رباعیات، مخمسات، توارد و تتبع، ماده‌های تاریخ، هجو، مناجات بخش اصلی کتاب که داورى بین قطعات ابن یمن و سعدی می‌باشد، به این صورت انجام گرفته که با کوشش و تلاش بسیار سعی شده قطعاتی از اشعار دو شاعر انتخاب شود که سه قسم اعتبار مقابله‌ای زیر را داشته باشند:

- ۱- قطعاتی که از نظر معنی و مطلب بسیار نزدیک باشند.
 - ۲- قطعاتی که از نظر مطالب یکسان، ولی از جهت پیرایه مختلف باشند.
 - ۳- قطعاتی باشند که هر دو بزرگ در موضوع خاصی نصیحت کرده‌اند. در مقابله تمام قطعات امور ذیل هم مورد نظر بوده است:
 - ۱-۳- در اشعار کدامیک فصاحت و بلاغت و سلاست بهتر است.
 - ۲-۳- حسن بیان، طرزاد، پیرایه و اسلوب کدامیک بهتر است.
 - ۳-۳- کلام کدامیک از اعتراضات عقلی می‌است و نصایح کدامیک بیشتر موافق فطرت انسانی است.
 - ۴-۳- کدام یکی را اندیشه صایب و صلاحیت و مناسبت افزونتر است که در زندگی عملی برای ما بتواند کارآمدتر باشد.
 - ۵-۳- در قطعات کدامیک جوش کلام بیشتر است.
 - ۶-۳- در اشعار کدام یکی تجربه زیاده‌تر است.
 - ۷-۳- کدامیک راتوانایی در بیان استعارات و تشبیهات و تمثیلات ثابت شده است.
 - ۸-۳- کدامیک صنایع و بدایع لفظی و معنوی را به خوبی به کار برده‌اند.
 - ۹-۳- ظرافت و شوخی که سخن را مزه دار و دارای چاشنی می‌کند، کدامیک از آن دو آنرا بهتر ادا کرده‌اند.
- امور ذکر شده بالا که تا حدودی در کلام هر دو شاعر مشترک است، با

مثالهای زیر آشکار می شود:

حاجت روایی

ابن یمین:

یده مراد فقیران به لطف تا بدهند مرادها که تواز حضرت خداداری
امید خلق روا کن به مکرمت که تو نیز مقرّاست که با خود امیدها داری

سعدی:

امید خلق برآور چنانکه تو بتوانی به حکم آنکه ترا هم امید مغفرت است
که گر زپای درآیی بدانی این معنی که دستگیری درماندگان چه مصلحت است
سپس مؤلف به بررسی ابیات دو شاعر از نظر نقد لفظی و معنوی
و زیباشناختی برآمده و بدین وسیله نتیجه گرفته که کلام سعدی برتر از ابن یمین است.
موضوع دیگر "دردل نبستن به دنیا و غنیمت شمردن وقت" ابیات زیر را ملاحظه
فرمایید:

ابن یمین:

یک دو روزی چو درین کهنه رباط افتادیم دل درو مسی توان بست چو در دارم مقام
وقت دریاب که از باده کنون جام پُر است یادماند به کف آن دم که تهی گردد جام

سعدی:

بس بگردید و بگرد در روزگار دل به دنیا درنسیبند دهبوشیار
ای که دستت می رسد کاری بکن پیش ازان کز تو نیاید هیچ کار
که به همان ترتیب اشعار بالانویسنده کتاب دست به مقایسه و نقد شعر دو شاعر زده
است و این روش را در موضوعات گوناگون براساس موازین نه گانه فوق تا پایان کتاب
ادامه داده است که پرداختن بدانها خود مقالتی جداگانه می طلبد.

نتیجه:

خلاصه اینکه منابع اشاره شده در بالا که توسط محققان و صاحب نظران خارجی درباره ابن یمن نوشته شده، در کنار دیگر منابع، بویژه منابع فارسی، بهتر می تواند مارا در شناخت آثار و اندیشه های بزرگ قطعه سرای سده هشتم یاری کند.

همچنین از بررسی مقاله پرفسور عابدی چنین برمی آید که تعدادی از اشعار ابن یمن شبرغانی و ارددیوان ابن یمن فریومدی شده که تفکیک آنها نیاز به مطالعه و بررسی دارد و کتاب ابن یمن اثر «رادول» علاوه بر انتخاب و ترجمه صد قطعه ابن یمن به زبان انگلیسی، در پیشگفتار خود به ارزشهای اخلاقی قطعات برگزیده پرداخته و ارتباط ابن یمن را با سریداران برای اروپاییان روشن کرده است و از کتاب سوم یعنی محاکمه قطعات ابن یمن و سعدی، مؤلف به این نتیجه رسیده که بین قطعات سعدی و ابن یمن شباهتهای بسیار وجود دارد و البته نظر نویسنده کتاب بر این است که قطعات سعدی نسبت به ابن یمن از استحکام، پختگی اندیشه و فصاحت و بلاغت بیشتری برخوردار است.

پانوشتها:

- ۱- Sprenger
- ۲- H. Ethe
- ۳- Rieu
- ۴- Pizzi
- ۵- Il.G.Koono
- ۶- J. Von Hammer Purgstall
- ۷- S.Imronov
- ۸- دانشنامه ایران و اسلام، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج ۷، ص ۹۲۵.
- ۹- S.Shcedrin
- ۱۰- Imronov
- ۱۱- دانشنامه، ج ۷، ص ۹۲۴.
- ۱۲- O.F.Von Schlehta Wssehrd
- ۱۳- Ralph Waldo Emerson
- ۱۴- شفا، شجاع الدین، جهان ایرانشناسی، کتابخانه پهلوی سابق، [بی تا]، ج ۲، تهران، ص ۳۹۶.
- ۱۵- I.S. Braginskil
- ۱۶- جهان ایرانشناسی، ج ۱، ص ۱۲۹۸.
- ۱۷- دانشنامه، ج ۷، ص ۹۲۵.
- ۱۸- همان مأخذ و صفحه .
- ۱۹- انجمن فارسی دهلی، س ۱۱، ش ۲، ۱۹۹۱، ص ۷۵ - ۹۸.
- ۲۰- منزوی احمد، ج ۷، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، (۱۳۶۵ ش)
- ۲۱- همان مأخذ، ص ۷۳۷.
- ۲۲- چاپ بمبئی، ۱۹۳۵.
- ۲۳- E.H.Rodwcll

Schlehta - Wssehrd - ۲۴

J.M.Rodwell - ۲۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی